

عواملی که در شکل گرفتن «من» تأثیر گذارند

دکتر علی دلاور

درآمد

اگر از مشکلات و انواع بحران هویت، به ویژه در نسل جوان سخنی به میان آید، بی شک باید از چگونگی شکل گیری هویت و عوامل مؤثر بر آن یاد کرد. خواه ناخواه هویت فرد، همزمان با رشد جسمی و روحی او و در تعامل با خود، خانواده، مدرسه و جامعه شکل می گیرد، اما باید دید، تأثیر این عوامل چگونه است؟ در این نوشته سعی می شود، ضمن پرداختن به عوامل مؤثر بر شکل گیری هویت، توجه خواننده به دشواری هایی جلب شود که در این راه وجود دارند.

رشد شناختی و تصور هویت آینده

«رشد شناختی» تأثیر تعیین کننده ای بر شکل گیری هویت دارد. وقتی که نوجوان به مرحله ی تفکر عملیات صوری می رسد، امکان بسیار بهتری به دست می آورد که هویت آتی خود را ترسیم کند و به مسائل آن بیندیشد. تحقیقات گوناگون در زمینه (مثلاً تحقیقات: بویز و کاندلر، ۱۹۹۱؛ واترمن، ۱۹۹۲؛ و برزونسکی، ۱۹۹۲) نشان می دهند، نوجوانانی که به رشد شناختی متناسب با این دوره از رشد رسیده اند، از کسانی که به این سطح از تفکر نرسیده اند، از موفقیت بیشتری در حل مسائل مربوط به هویت خود برخوردارند. آنان اطلاعاتی را که برای این منظور لازم دارند، بهتر اختیار می کنند و بهتر به کار می گیرند. هم چنین، نیاز آنان به کمک گرفتن از دیگران کمتر است و به جای آن که تصمیم گیری های خود را مرتب به تأخیر بیندازند، قادرند راه خود را به موقع انتخاب کنند و خلاقیت بیشتری در تجربه هایشان نشان می دهند [لطف آبادی، ۱۳۸۰].

بنابراین پیشرفت های شناختی، نوجوانان را قادر می سازد، هویت هایی را که در آینده به دست می آورند، تصور کنند. نوجوانانی که تجربه ی بیشتری در تفکر عملیات صوری به دست آورده اند، پیش تر از نوجوانانی که هنوز به بلوغ فکری نرسیده اند، قادر به تفکر در ابعاد پیچیده هستند و می توانند، مسائل هویتی خود را حل کنند. به همین دلیل، یکی از عوامل موفقیت در کسب هویت پایدار، شایستگی در تفکر انتزاعی است.

فراموش کردن فرزندان و پراکندگی هویت

نوع ارتباط نوجوان با والدین در چگونگی شکل گیری هویت آنان مؤثر است. پژوهش های مارکستروم^۲ -



آدامز (۱۹۹۲)، واترمن (۱۹۹۲)، و گراته وانت و کوپر (۱۹۸۶) مؤید همین مطلب است. نوجوانانی که در حالت پراکندگی هویت هستند، غالباً از جانب والدین خود به فراموشی سپرده شده و یا طرد شده اند. شاید علت این امر آن است که شکل گیری هویت در آغاز مستلزم همانندسازی با پدر و مادر است و همانندسازی با ویژگی های آنان وقتی انجام می شود که نوجوان به آنان دل بستگی داشته باشد.

همچنین، وقتی نوجوان وابستگی شدیدی به والدین داشته باشد و مدام از آنان فرمان ببرد، هویت او حاکی از تسلیم‌طلبی (هویت زودرس) در مقابل والدین خواهد بود؛ زیرا ممکن است هیچ وقت به خود اجازه ندهد که اقتدار آنان را زیر سؤال ببرد. برعکس، نوجوانانی که هویت محکمی به دست می‌آورند، غالباً کسانی هستند که از عواطف محکم و آزادی کافی در محیط خانواده برخوردارند و اجازه پیدا می‌کنند که فردیت خود را داشته باشند. وقتی کودکی اجازه پیدا کند نظر خود را، حتی اگر مخالف نظر والدین باشد، به راحتی ابراز کند و والدین نیز عقاید فرزندان خود را به دیده احترام بنگرند و در عین حال، نظم و کنترل متعادلی در خانواده وجود داشته باشد و موفقیت‌های تحصیلی بچه‌ها نیز مورد تأکید

آینده‌ی او را هموارتر می‌سازد و از نظر هویت حرفه‌ای نیز اطمینان بیش‌تری برای او ایجاد می‌کند. هم‌چنین، تحصیلات مدرسه‌ای و دانشگاهی معمولاً اطلاعاتی را در اختیار نوجوانان قرار می‌دهد که برای شکل‌گیری هویت آنان مفید است. الگوبرداری از سایر دانش‌آموزان و دانشجویان نیز تا اندازه‌ای در رشد هویت نوجوان مؤثر است [پیشین].

وقتی که نوجوان

به مرحله‌ی تفکر

عملیات صوری

می‌رسد، امکان

بسیار بهتری به‌دست

می‌آورد که هویت

آتی خود را ترسیم

کند

بنابراین

پیشرفت‌های

شناختی، نوجوانان

را قادر می‌سازد،

هویت‌هایی را که

در آینده به‌دست

می‌آورند، تصور

کند

نوجوانانی که در

حالت پراکندگی

هویت هستند، غالباً

از جانب والدین

خود به فراموشی

سپرده شده و یا

طرد شده‌اند

تقلید یا جست‌وجوگری

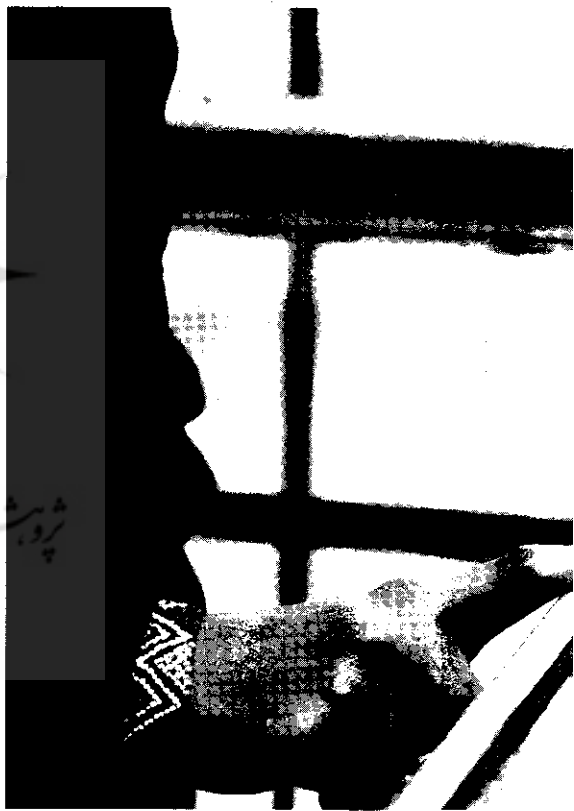
شاید بتوان گفت که تأثیر زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی بر چگونگی شکل‌گیری هویت نوجوانان از سایر عوامل بیش‌تر است. در فرهنگ‌های قدیمی‌تر، نوجوانان از نظر هویت از بزرگسالان خود تقلید می‌کردند. در فرهنگ‌های سنتی کنونی نیز چنین است، اما در فرهنگ‌های جدید و جوامع باز این‌طور نیست. یعنی معمولاً فرزند کشاورز، کشاورز نمی‌شود، فرزند ماهی‌گیر، ماهی‌گیر نمی‌شود، دختر ماهی‌گیر با ماهی‌گیر ازدواج نمی‌کند و...

تسلیم‌طلبی در شکل‌گیری هویت (هویت زودرس)، جای خود را به درگیری و جست‌وجوگری داده است [پیشین].

ترتیب تولد و رشد هویت

تومان^۳ (۱۹۹۳ به نقل از: لطف‌آبادی، ۱۳۸۰) معتقد است که ترتیب تولد بر رشد هویت مؤثر است. فاصله‌ی سنی بچه‌ها نیز باعث می‌شود که نه‌تنها برخورد والدین با آنان متفاوت باشد، بلکه این امر رابطه‌ی فرزندان با یکدیگر را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای مثال، فرزند کوچک خانواده، به‌خصوص وقتی که فاصله‌ی سنی زیادی با بقیه‌ی فرزندان خانواده دارد، برای آن که به استقلال برسد، نقش‌هایی را ایفا می‌کند که با نقش‌های برادر و خواهر بزرگ‌تر از او متفاوت هستند.

فرزند اول نیز موضوع آزمایش تربیتی والدین جوان و بی‌تجربه است که به شدت به وی توجه می‌کنند. این امر ممکن است باعث پیدایش خلیات رهبری و احساس مسئولیت در وی بشود. هم‌چنین معمولاً گفته می‌شود، نقش فرزند وسط خیلی برایش روشن نیست. فرزندان کوچک‌تر نیز معمولاً آزادی بیش‌تری را تجربه می‌کنند و والدین هم تجربه‌ی بهتری برای پرورش آنان دارند. در عین حال نباید فراموش کرد که ترتیب تولد و فاصله‌ی سنی بچه‌ها بر حسب این که در چه خانواده و فرهنگی تربیت شوند، با تفاوت‌های زیادی در تأثیرگذاری بر هویت آنان همراه خواهد بود.



و تشویق قرار گیرد، طبعاً رشد هویت نوجوانان چنین خانواده‌هایی نیز با موفقیت (هویت موفق) همراه خواهد بود [لطف‌آبادی، ۱۳۸۰].

موفقیت تحصیلی و هویت حرفه‌ای

موفقیت‌های تحصیلی در طول سال‌های مدرسه و قبول شدن بعدی نوجوان در دانشگاه، معمولاً عامل مؤثری در شکل‌گیری هویت است؛ زیرا راه‌های زندگی

موفقیت‌های تحصیلی در طول سال‌های مدرسه و قبول شدن بعدی نوجوان در دانشگاه، معمولاً عامل مؤثری در شکل‌گیری هویت است؛ زیرا راه‌های زندگی آینده‌ی او را هموارتر می‌سازد

خیال‌پردازی نوجوانان منبع دیگری برای ایفای نقش‌ها و رفتارهای آنان است. دامنه‌ی خیال‌پردازی با رشد تفکر عملیات صوری افزایش می‌یابد

بازخوردی که نوجوان می‌گیرد

رفتار نوجوان تأثیر زیادی بر چگونگی واکنش والدین و سایر اعضای خانواده نسبت به او بر جا می‌گذارد. برای مثال، اگر نوجوانی در ایفای نقش خود در خانواده رفتارهای مثبت و مورد پذیرش دیگران داشته باشد، بازخوردی که به او داده می‌شود، به تکرار و درونی شدن آن رفتارها منجر می‌شود و شکل‌گیری مثبت هویت او را تسریع خواهد کرد. هنگامی که این رفتارها درونی شدند و به صورت خصوصیات عادی فرد درآمدند، بخشی از خودانگاره‌ی او به حساب می‌آیند.

گفت‌وگو، راهی برای کسب اطلاعات و تجربه

گفت‌وگو در جریان تعارضات، باعث کسب اطلاعات بیش‌تر نوجوان، رشد تفکر انتزاعی او می‌شود و از این طریق او خود را به عنوان فردی متفاوت، به بزرگسالان معرفی می‌شود. این تعارضات معمولاً انرژی زیادی از بزرگسالان خانواده یا اولیای مدرسه می‌گیرد و غالباً با احساس ناراحتی آنان همراه است. اما در عین حال، از یک سو به تجربه‌اندوزی و پختگی والدین می‌انجامد و از سوی دیگر در شکل‌گیری هویت متفاوت و مستقل نوجوان نقش مهمی دارد.

خیال‌پردازی نوجوانان

خیال‌پردازی نوجوانان منبع دیگری برای ایفای نقش‌ها و رفتارهای آنان است. دامنه‌ی خیال‌پردازی با رشد تفکر عملیات صوری افزایش می‌یابد و با بروز احساسات و نیازهای جدید نوجوانی گسترش پیدا می‌کند.

برخی از نوجوانان نیز با مطالعه به کشف هویت فکری خویش می‌پردازند. بسیاری از کتاب‌های تاریخی و ادبی، داستان‌ها و شرح حال‌ها و مجلات، الگوهای تجربی ایفای نقش را در اختیار نوجوانان قرار می‌دهند. البته در عصر حاضر که فیلم‌های سینمایی و تلویزیون دائماً مشغول بمباران مغزهای نوجوانان و جوانان و منبع مهم تغذیه‌ی خیال‌پردازی آنان هستند، آنان برای کشف الگوهای هویت خویش کمتر به کتاب و مطالعه روی می‌آورند.

تفاوت‌های جنسیتی و شکل‌گیری هویت

به نظر می‌رسد، شکل‌گیری هویت در پایگاه‌های فرهنگی - اجتماعی گوناگون و بین دختران و پسران،

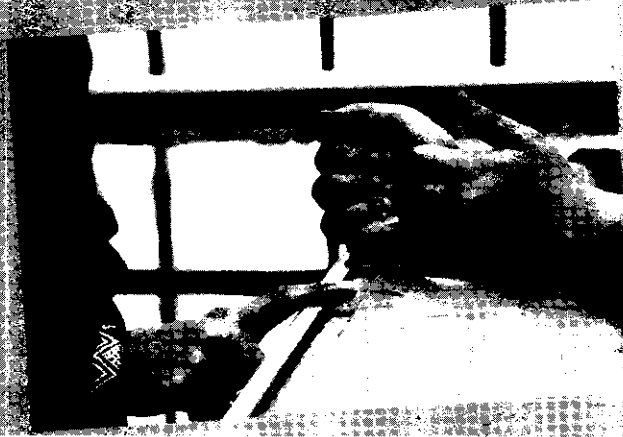
متفاوت از یکدیگر است. برای مثال، در حالی که در جوامع بسته و فرهنگ‌های سنتی، شکل‌گیری هویت به‌خصوص در دختران خیلی زود حاصل می‌شود، اما در جوامع باز، صنعتی و پیچیده، هویت نوجوانان پسر و دختر خیلی دیرتر شکل می‌گیرد. آنچه مسلم است این که شکل‌گیری هویت به‌ویژه در جوامع باز، زمان نسبتاً زیادی طول می‌کشد و در مواردی ممکن است تا سال‌های جوانی ادامه یابد. در حالت‌های دشوارتر، ممکن است حتی در سنین بزرگسالی نیز، در فرد رشد نیافتگی دیده شود. همچنین، در حالی که جنبه‌هایی از هویت (برای مثال هویت جنسی) خیلی زود حاصل می‌شوند، جنبه‌های دیگری از هویت (برای مثال هویت بینشی یا عقیدتی) ممکن است تا سال‌های جوانی استحکام پیدا نکنند.

شکل‌گیری هویت

در نوجوانان گروه‌های اقلیت

شکل‌گیری هویت در نوجوانان گروه‌های اقلیت، پیچیدگی‌ها و دشواری‌های بیش‌تری دارد. مشکل این گروه از نوجوانان عبارت است از: کسب هویت متناسب با الزامات کل جامعه و دستیابی به هویتی (درون هویت قبلی) برای حفظ هویت قومی یا گروهی خاص خودشان. در یک جامعه‌ی واقعاً «پلورالیستی»^۱ (کثرت‌گرا)، این دشواری‌ها قابل حل هستند.

اما در جامعه‌هایی که اکثریت یا گروه مقتدر جامعه، فرهنگ مسلط خود را به شدت اعمال می‌کند و می‌کوشد تا همگان را همانند سازد و هویت فرهنگی - اجتماعی خود را تحمیل کند، دشواری کار بیش‌تر است و نوجوانان ناگزیرند، یا تسلیم‌طلبی پیشه کنند و یا درگیری به وجود آورند. در چنین شرایطی، تنها معدودی از نوجوانان با تربیت و مراقبت حساب‌شده‌ی بزرگسالان خویش، شایستگی‌های فکری و انگیزشی، واکنش پیشرفت و برخورد فعال برای کسب هویت خاص خویش را بروز خواهند داد. هرچه میزان فشار فرهنگ مسلط بر گروه‌های اقلیت بیش‌تر باشد، نوجوانان گروه اخیر، برای حفظ هویت فرهنگی - اجتماعی خاص خود، درگیری و معارضه را کمتر شمربخش می‌بینند و چهره‌ی دوگانه‌تری (که ظاهر آن فرهنگ اکثریت و باطن آن فرهنگ خاص خودشان است) خواهند یافت [فینی و روزنتال، ۱۹۹۲؛ اسپنسر و مارکستروم - آدامز، ۱۹۹۰؛ فینی، ۱۹۸۹؛ اوگیو، ۱۹۸۰؛ کروین^۲ و همکاران، ۱۹۹۳؛ نایت^۳ و همکاران، ۱۹۹۳؛ و روزنتال و فلدمن^۴،



۱۹۹۲؛ به نقل از: لطف‌آبادی، ۱۳۸۰].

آیا شکل‌گیری هویت رنج‌آور است؟

متأسفانه غالباً چنین تصور شده است که شکل‌گیری هویت با بحران و رنج همراه است. گاهی از بحران هویت و جوانی پررنج نام برده‌اند. البته می‌توان پذیرفت که رشد هویت برای اقلیتی از نوجوانان، همراه با رنج و بحران است، اما مبالغه در این موضوع و تعمیم آن به تمام نوجوانان در این جا و آن‌جا دنیا، واقع‌بینانه نیست. برای اکثریتی از نوجوانان، بلوغ و نوجوانی و دست‌یابی به هویت مستقل و خاص خود، جست‌وجویی فعالانه و تلاشی جدی برای هموار کردن راه‌های زندگی بزرگسالی است.

به این ترتیب، مسئله‌ی اصلی این نیست که نوجوانی یک بحران و رنج هست یا نیست. مسئله‌ی اصلی این است که شکل‌گیری هویت کدام گروه از نوجوانان و تحت کدام شرایط خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی، همراه با بحران است، چه عواملی موجب آن می‌شود و چگونه می‌توان این پایگاه بحرانی را به پایگاه جست‌وجوگری و استقلال‌جویی تبدیل کرد. مسئله این است که به عنوان پدر و مادر و اولیای مدرسه و نهادهای اجتماعی و فرهنگی دیگر، چگونه می‌توان به نوجوانان کمک کرد و چگونه باید آزادی و فرصت به آن‌ها داد تا رشد سالم و سازگارانه‌ی خود را در مبارزه برای استقلال به دست آورند، از تلاش‌های خود لذت ببرند و به احساس عزت‌نفس و خودآگاهی و مسئولیت برسند. آنان هدف‌های متناسب با طبیعت و الزامات زندگی خود را می‌جویند و برای وصول به آن هدف‌ها، در مسیرهای دیگری که الزاماً همان مسیر والدین نیست، حرکت خواهند کرد. معیار قضاوت درباره‌ی روش زندگی آنان، داشتن سلامت روانی، شادمانی، جست‌وجوگری، امیدواری و ایمان است. مسائل دیگر، آن همه اهمیت ندارند که غالباً تصور یا ترویج می‌شود.

آن‌چه در شکل‌گیری هویت موجب دشواری می‌شود، زمان نسبتاً طولانی آن است که امکان دارد، نوجوان را برای مدتی با سردرگمی و تزلزل در تصمیم‌گیری و انتخاب راه زندگی بزرگسالی مواجه سازد. همه‌ی نوجوانان به این یا آن شکل، نوعی سردرگمی و بی‌ثباتی موقتی را تجربه می‌کنند، اما اقلیتی از آنان، به ویژه کسانی که با مشکلات و درگیری‌های خانوادگی دست به گریبان‌اند، یا در محیط‌های نامساعد اجتماعی - فرهنگی زندگی می‌کنند، دچار بحران و تعارض‌های شدید خواهند شد. این بحران نه تنها در نوجوانی، بلکه معمولاً در دوره‌ی جوانی هم ادامه می‌یابد. به بیان دیگر، اگرچه گروه بزرگی از نوجوانان با تعارض‌های

نسبتاً کمی به رشد خود ادامه می‌دهند و به سلامت از این دوره می‌گذرند، اما گروه کوچکی از آنان در جریان رشد هویت خود با دشواری‌های جدی و گاه بیمارگونه درگیر هستند.

برخی از نوجوانان متعلق به خانواده‌های سخت‌گیر و متحجر، امکان آن را پیدا نمی‌کنند که از خود عمومی خانواده فاصله بگیرند. به همین دلیل، به قول ماریسیا [۱۹۸۰: ۱۵۹]، به یک خود کاذب که در واقع از آن خود آنان نیست و شخصاً آن را به دست نیآورده‌اند، مبتلا می‌شوند. این افراد در بزرگسالی هم به همین «خود ظاهری» عادت می‌کنند و ممکن است هرگز به رشد طبیعی انسانی و مستقل خود نرسند [لطف‌آبادی، ۱۳۸۰]. این نداشتن فرصت انتخاب می‌تواند در برخورد با واقعیت‌های دیگر زندگی، مشکلات جدی را برای فرد یا در ارتباط او با افراد دارای فردیت متفاوت، به بار آورد. گروهی از نوجوانان نیز ممکن است، بی‌آن‌که شخصاً هویت خویش را کشف کنند، به یک خود دستوری ساخته و پرداخته‌ی دیگران بسنده کنند. در چنین صورتی نیز، بروز مشکلات آتی در برخورد با واقعیت‌های زندگی و مناسبات اجتماعی با افراد دارای هویت متفاوت، امری اجتناب‌ناپذیر است.

ناتوانی جوانان یا بزرگسالانی را که قادر به ایجاد مناسبات مسالمت‌آمیز و مبتنی بر احترام متقابل با سایر افراد نیستند و جز با تحمیل خواسته‌های خود به دیگران نمی‌توانند آنان را بپذیرند، می‌توان از این دیدگاه بررسی کرد. معلوم است که ایفای نقش‌های بزرگسالی توسط این افراد به عنوان پدر و مادر، چیزی نخواهد بود جز تکرار آن‌چه بر سر آنان آمده است. این دور باطل امکان دارد، طی چند نسل تکرار شود و رشد طبیعی زندگی انسانی را به مخاطره اندازد.

زیرنویس

1. Waterman
2. Markstrom
3. Toman
4. Pluralist
5. Ogbu
6. Kerwin
7. Knight
8. Feldman

• به دلیل کمبود جا نتوانستیم فهرست منابع را در این جا درج کنیم. این فهرست در دفتر مجله محفوظ است.

می‌توان پذیرفت
که رشد هویت
برای اقلیتی از
نوجوانان، همراه
با رنج و بحران
است، اما مبالغه
در این موضوع و
تعمیم آن به تمام
نوجوانان در این جا
و آن‌جا دنیا،
واقع‌بینانه نیست

وقتی نوجوان
وابستگی شدیدی
به والدین داشته
باشد و مدام از
آنان فرمان ببرد،
هویت او حاکی از
تسلیم‌طلبی (هویت
زودرسی) در مقابل
والدین خواهد بود